239015 ـ نکاتی درباره‌ی حادثه‌ی شهادت عثمان رضی الله عنه. آیا کسی از اصحاب نیز در شهادت عثمان دست داشت؟

سوال

الله متعال در مواضع بسیاری در کتاب خود، خشنودی‌اش را نسبت به صحابه اعلام داشته، از جمله در سوره‌ی حشر، هنگام سخن از صلح حدیبیه. اما یک بار یکی از شیعه‌ها به من گفت که قاتل عثمان نیز در این گروه [از اصحاب] بوده، در حالی که ما قاتلان او را نفرین می‌کنیم. من مطمئن نیستم که این تهمت علیه اصحاب صحیح است یا نه. خواهش می‌کنم در این باره توضیح دهید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا: پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ عثمان ـ رضی الله عنه ـ را از این آگاه ساخته بود که وی دچار مصیبت می‌شود و با شهادت از دنیا می‌رود و به وی توصیه نمود که در برابر آن مصیبت صبر پیشه کند. عثمان ـ رضی الله عنه ـ نیز از پیامبرش اطاعت نمود و پیمان خود را زیر پا ننهاد.

از عایشه ـ رضی الله عنها ـ روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: یکی از اصحابم را برایم صدا کن گفتم: ابوبکر؟ فرمود: نه گفتم: عمر؟ فرمود: نه گفتم: پسرعمویت علی؟ فرمود: نه، گفتم: عثمان؟ فرمود: آری هنگامی که عثمان آمد [خطاب به من] فرمود: دور شو. سپس با عثمان به راز سخنی گفت و رنگ عثمان در این حال تغییر کرد. هنگامی که حادثه‌ی یوم الدار (روز شهادت عثمان) پیش آمد گفتیم: ای امیرمومنان آیا [با آنان] نبرد نمی‌کنی؟ گفت: نه؛ رسول خدا ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ از من پیمانی گرفته و من بر آن پیمان شکیبایی می‌کنم. به روایت امام احمد (۴۰: ۲۹۶). محققانِ حدیث، این روایت را صحیح دانسته‌اند.

و از ابوموسی ـ رضی الله عنه ـ روایت است که گفت: همراه رسول خدا ـ صلی الله علیه وسلم ـ در یکی از باغ‌های مدینه بودیم... سپس مردی اجازه‌ی ورود خواست. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به من گفت: در را برایش باز کن و او را به بهشت بشارت ده، همراه با مصیبتی که به وی می‌رسد. دیدم عثمان است پس او را از سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آگاه ساختم. او حمد خدای را به جای آورد، سپس گفت: الله المُستَعان. (الله یاری‌ده است).

به روایت بخاری (۳۴۹۰) و مسلم (۲۴۰۳).

ثانیا: هنگامی که ستمگرانِ اوباش او را در خانه‌اش محاصره کردند، صحابه به وی پیشنهاد دادند که از او دفاع کنند و بجنگند، اما ایشان نپذیرفت و دستور داد برگردند و این برای اطاعت از پیمانی بود که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ از او گرفته بود و تا باعث کشته شدن دیگران نشود، زیرا می‌دانست هدف اوباش اوست نه کسی دیگر.

ابن العربی مالکی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«زید بن ثابت آمد و گفت: انصار پشت در هستند و می‌گویند: اگر بخواهی ما برای بار دوم هم انصار خداوند خواهیم بود. عثمان گفت: نیازی به این کار ندارم. دست بکشید.

ابوهریره گفت: امروز جنگیدن همراه تو خوش است. عثمان گفت: دستورت می‌دهم که بیرون روی.

حسن بن علی آخرین کسی بود که از نزد وی بیرون آمد، چرا که حسن و حسین و ابن عمر و ابن زبیر و مروان با هم به نزد وی رفته بودند، پس به آنان دستور داد سلاح بگذارند و بیرون روند و در خانه‌ی خود بنشینند.

اما ابن زبیر و مروان گفتند: ما بر خود لازم می‌داریم که بیرون نرویم، پس عثمان در را گشود و ـ بر اساس صحیح‌ترین قول ـ بر وی وارد شدند و مرگ سیاه او را کشت» (العواصم من القواصم: ۱۳۹ـ۱۴۱). [مرگ سیاه لقب یکی از شورشیان است].

شهادت ایشان ـ رضی الله عنه ـ در صبح جمعه دوازدهم ذی الحجه‌ی سال ۳۵ هجری، چهل روز پس از محاصره‌ی ایشان رخ داد. عثمان ـ رضی الله عنه ـ در هنگام شهادت ۸۲ سال داشت.

ثالثا: الله متعال اصحاب پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را از اینکه در قتل عثمان شرکت داشته باشند پاک داشته است. هیچ یک از صحابه ـ رضی الله عنه ـ در شهادت ایشان دست نداشته و بلکه بیش از آن، حتی کسی از فرزندان صحابه نیز در این جنایت دست نداشته و به آن خوارج متجاوز یاری نرسانده است و همه‌ی روایاتی که صحبت از مشارکت فرزندان صحابه مانند عبدالرحمن بن عدیس و عمرو بن الحِمق دارد، سند صحیحی ندارد.

۱ـ ابن کثیر ـ رحمه الله ـ می‌گوید: حافظ ابن عساکر روایت کرده که وقتی عثمان به کسانی که در خانه بودند امر کرد تا بیرون روند، کسی جز خانواده‌اش باقی نماندند؛ آنگاه [متجاوزان] از دیوار خانه بالا رفتند و در را سوزاندند و بر وی وارد شدند. در میان آنان کسی از صحابه یا فرزندان صحابه نبودند، به جز محمد بن ابوبکر» (البدایة والنهایة: ۷/ ۲۰۷).

به زودی بیان خواهیم نمود که محمد بن ابوبکر نیز در شهادت عثمان ـ رضی الله عنه ـ دست نداشته.

۲ـ نووی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: هیچ‌یک از صحابه در شهادت ایشان شرکت نداشتند. (شرح صحیح مسلم: ۱۵/ ۱۴۸).

۳ـ ابن کثیر ـ رحمه الله ـ در جای دیگری می‌گوید: اما اینکه بعضی از مردم می‌گویند گروهی از صحابه او را تسلیم [متجاوزان] نمودند و به قتل وی خشنود بودند، چنین چیزی از هیچیک از صحابه ثابت نشده که راضی به کشتن عثمان باشند، بلکه همه این کار را بد دانستند و آن‌ها را که در این امر دست داشتند بد می‌گفتند. (البدایة والنهایة: ۷/ ۲۲۱).

۴- از شیخ عبدالمحسن العَبّاد ـ حفظه الله ـ پرسیده شد: آیا کسی از اصحاب در شهادت عثمان ـ رضی الله عنه ـ دست داشت؟ ایشان گفت: کسی از صحابه را نمی‌شناسیم که در قتل عثمان ـ رضی الله عنه ـ شرکت کرده باشد (شرح سنن ترمذی، نوار شماره ۲۳۹).

۵- استاد محمد بن عبدالله غبان الصبحی ـ حفظه الله ـ می‌گوید: هیچیک از اصحاب [حتی] در تحریک به قتل عثمان ـ رضی الله عنه ـ شرکت نکرده تا چه رسد به کشتن ایشان، و هرچه در این باره روایت شده سندِ آن ضعیف است (فتنة مقتل عثمان بن عفان رضی الله عنه: ۱/ ۲۸۹).

این کتاب توسط معاونت تحقیقات علمی دانشگاه مدینه‌ی منوره در عربستان سعودی منتشر شده که به تحقیق همه‌ی روایات وارده در فتنه‌ی شهادت عثمان ـ رضی الله عنه ـ پرداخته است. مولف این کتاب همچنین یک گفتگوی علمی درباره‌ی این کتاب با شیخ آلبانی ـ رحمه الله ـ داشته که در سلسله نوارهای سلسلة الهدی والنور به شماره‌ی ۴۰۴ موجود است.

رابعا:

درباره‌ی محمد بن ابوبکر باید بگوییم که وی اساسا صحابی نیست، و از سوی دیگر شرکت داشتن وی در شهادت عثمان و تشویق به آن نیز ثابت نشده و برخی از علما روایاتی را صحیح دانسته‌اند که بر اساس آن از پشیمانی و بازگشت ایشان سخن گفته‌اند.

۱ـ شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: ایشان صحابی نیست و سابقه و فضیلتی [در اسلام] ندارد... بنابراین ایشان نه صحابی است و نه از مهاجرین و انصار... و از جمله‌ی علما و صالحین بزرگ [و شناخته شده‌ی] طبقه‌ی خود نیز به حساب نمی‌آید...

ایشان سپس ادامه می‌دهد: از محمد بن ابی‌بکر سخنی در کتب مورد اعتماد حدیث و فقه به میان نیامده است (منهاج السنة النبویة: ۴/ ۳۷۵-۳۷۷ به طور مختصر).

۲ـ ابن کثیر ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «روایت کرده‌اند که محمد بن ابوبکر تیری را در گوش او فرو کرد، طوری که وارد گلویش شد، اما صحیح این است که دیگری این کار را مرتکب شد و او [یعنی محمد بن ابوبکر] پس از آنکه عثمان به وی گفت ریشی را گرفته‌ای که پدرت گرامی‌اش می‌داشت این را بد دانست و چهره‌ی خود را پوشاند و برگشت و خواست جلوی این کار را بگیرد اما نتوانست و امر پروردگار مقدر شده و در کتاب نوشته شده بود» (البدایة والنهایة: ۷/ ۲۰۷).

۳ـ استاد محمد بن عبدالله غبان صبحی ـ حفظه الله ـ می‌گوید: محمد بن ابی‌بکر در تحریک به قتل عثمان ـ رضی الله عنه ـ و نه در قتل ایشان شرکت نداشته و هر چه در این باره روایت شده همه باطل و غیر صحیح است (فتنة مقتل عثمان رضی الله عنه: ۱/ ۲۹۰).

رابعا:

علاوه بر آنکه پیشتر در مورد شرکت نداشتن هیچ یک از اصحاب یا رضایت آنان به شهادت عثمان ـ رضی الله عنه ـ بیان شد، از گروهی از اصحاب ثابت شده که قاتلان عثمان ـ رضی الله عنه ـ را نفرین کرده‌اند.

۱ـ امام احمد در کتاب فضائل الصحابة (۱/ ۴۵۵) با سند صحیح از طریح محمد بن الحنفیة روایت کرده که گفت: «به علی خبر رسید که عائشه قاتلان عثمان را در مربد نفرین می‌کند. پس ایشان (یعنی علی) دستان خود را [به دعا] تا مقابل صورتشان بلند کرد و فرمود: من نیز قاتلان عثمان را نفرین می‌کند؛ خداوند آنان را بر تپه‌ها و کوه‌ها نفرین کند. و این را دو یا سه بار تکرار کرد».

۲ـ امام نووی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: اما عثمان ـ رضی الله عنه ـ خلافتش به اجماع ثابت است و مظلوم به شهادت رسید و گروهی فاسق ایشان را به قتل رساندند، چرا که موجبات قتل واضح است و ایشان ـ رضی الله عنه ـ کاری نکرده بود که قتلش صحیح باشد... بلکه ایشان را گروهی از اوباش قبایل و فرومایگان و اراذل به قتل رساندند. گروهی تشکیل دادند و از همان مصر قصد قتل وی کردند و صحابه‌ای که [در آن هنگام در مدینه] حضور داشتند نتوانستند جلوی آنان را بگیرند، پس وی را به محاصره در آوردند و به شهادت رساندند. رضی الله عنه (شرح صحیح مسلم: ۱۵/ ۱۴۸ـ۱۴۹).

۳ـ شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: اما کسانی که در قتل وی ـ یعنی عثمان رضی الله عنه ـ دست داشتند همه خطارکار، و بلکه ستمگر و باغی و متجاوزند، و اگر تقدیر باشد که خداوند کسی از آنان را می‌بخشد، باز این به معنای عدم مظلومیت عثمان نیست (منهاج السنة: ۶/ ۲۹۷).

و باز می‌گوید: کسانی که علیه عثمان شورش کردند گروهی از اوباش مردم بودند (منهاج السنة: ۸/ ۱۶۴).

بر اساس آنچه گذشت می‌توان دانست که: کسی از صحابه در واقعه‌ی شهادت عثمان ـ رضی الله عنه ـ دست نداشته و آنانکه چنین کردند مستحق لعن و نکوهش هستند و همه نیز سرانجام به بدترین نحو کشته شدند.

امام احمد در فضائل صحابة (۱/ ۵۰۱) با سند صحیح از عَمرة بنت أرطأة عدویه روایت کرده که گفت: «سالی که عثمان کشته شد با عائشه به مکه رفتیم؛ از مدینه گذشتیم و مصحفی را که عثمان در هنگام شهادت بر روی پاهایش داشت، دیدیم که نخستین قطره‌ی خونش بر این آیه افتاده بود: فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (پس الله به زودی تو را از آنان کفایت خواهد کرد، و او شنوا و داناست) پس هیچ یک از آنان به مرگ عادی نمردند».

بنابراین دانستیم که فضیلت ثابت شده برای عموم صحابه و به طور خاص برای اهل بیعت رضوان به جای خود باقی است و مستحق این قول پروردگار متعال هستند که می‌فرماید:

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا [فتح: ۱۸]

(به راستی الله هنگامی که مومنان زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند از آنان خشنود شد و آنچه در دلهایشان بود را دانست و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنان پاداش داد).

بنابراین دروغ آن رافضی آشکار می‌شود و مشخص می‌شود که وی فریب وجود برخی روایات در برخی کتب اهل سنت را خورده که حاکی از مشارکت برخی از صحابه‌ی اهل بیعت رضوان در شهادت عثمان ـ رضی الله عنه ـ است اما همه‌ی این روایات از طرق ضعیفیا باطل نقل شده است.

یا شاید کسی که شرکتش در شهادت عثمان روایت شده صحابی بودنش به اثبات نرسیده باشد، مانند کنانة بن بشر و حکیم بن جبَلة، و یا شرکتش در قتل عثمان ثابت نشده، ماند عمرو بن الحِمق و عبدالرحمن بن عُدیس؛ زیرا روایتی که مبنی بر شرکت آنان در شهادت عثمان است از طریق واقدی نقل شده که متروک (متهم به دروغ) است.

برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب العواصم من القواسم ابن العربی مالکی و کتاب فتنة مقتل عثمان بن عفان رضی الله عنه نوشته‌ی استاد ابن غبان الصبحی، و کتاب حقبة من التاریخ اثر شیخ عثمان الخمیس.

والله اعلم